



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری  
دوره ۱۳ / شماره ۴ (پیاپی ۵۲) / زمستان ۱۴۰۳  
صفحه ۸۵۷ تا ۸۷۱

## خط‌مشی‌گذاری نهادی سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی

مصطفی حیدری هراتمه

گروه اقتصاد، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران (نویسنده مسئول)  
Mo.heidari@iau.ac.ir

وحید آرابی

گروه مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
vah.araei@iauctb.ac.ir

سیدمحمود اسلامی

گروه مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
m.eslami@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

### چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی خط‌مشی‌گذاری نهادی سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی در نظر گرفته شد. لذا با استفاده از داده‌های ۲۲ کشور در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، رویکرد پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی، را از طریق یک مدل جاذبه، مورد بررسی قرار داد. همچنین تعامل بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و نهادهای کشور میزبان و اینکه چگونه این رابطه بین شرکای توسعه یافته - در حال توسعه و شرکای در حال توسعه متفاوت است، را ارزیابی می‌کند. نتایج نشان داد: تأثیر متغیرهای کنترلی بازار بزرگ و زبان مشترک در همه مدل‌ها، مثبت و معنادار، اما تأثیر متغیر فاصله، منفی و معنی‌دار است. متغیرهای جمعیت کشور میزبان و همسایگی به جزء، جفت کشورهای در حال توسعه، تعیین‌کننده معنی‌داری برای جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیستند. پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی در همه مدل‌ها مثبت و معنی‌دار است، ولی بین کشورهای در حال توسعه تأثیر بیشتری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. با اضافه شدن متغیرهای کیفیت نهادی، رابطه استعماری و متغیر ساختگی توافق تجارت آزاد، به مدل، با انعقاد پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی، کشور میزبان به سرمایه‌گذاران خارجی یک چارچوب نهادی خارجی ارائه می‌دهد که به طور قابل اعتمادی آنها را متعهد می‌کند که از سرمایه‌گذاری خود، بهتر از توان نهادهای داخلی محافظت کنند. در این صورت آنها جایگزین هستند و انتظار یک رابطه منفی وجود دارد. از سوی دیگر، انعقاد پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی ممکن است به عنوان یک دستگاه سیگنال‌دهی، عمل کند و به سرمایه‌گذاران خارجی اعلام کند که کشور در حفاظت از سرمایه‌گذاری آنها جدی است، لذا یک فاکتور تعاملی بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و کیفیت نهادی به مدل توسعه‌یافته اضافه شد. متغیر تعاملی در همه گروه‌ها منفی است.

**واژه‌های کلیدی:** پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی، سرمایه‌گذاری خارجی، مدل جاذبه، خط‌مشی‌گذاری نهادی

## ۱- مقدمه

پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی به عنوان ابزاری برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطرح شده است. کشورهای میزبان به امید افزایش جذب سرمایه‌های خارجی، مشتاق هستند برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی منعقد و امضا کنند. ادعا می‌شود که افزایش متعاقب پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نتیجه رقابت بین کشورهای میزبان برای مجموعه محدودی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. در حالی که بیشتر ادبیات بر اثرات پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بین صادرکنندگان سرمایه در کشورهای توسعه یافته و کشورهای میزبان در حال توسعه متمرکز شده است، تحقیقات کمی تا به امروز بر روی اثرات پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بین کشورهای در حال توسعه متمرکز شده است. با این حال تأثیر پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بر جریان سرمایه‌گذاری تا حد زیادی ناشناخته است. مطالعات اندکی بر تأثیر پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و جریان سرمایه‌گذاری بین کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است لذا، چندین سؤال بدون پاسخ در این رابطه وجود دارد: آیا پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بین دو کشور در حال توسعه بر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین این دو کشور تأثیر می‌گذارد؟ آیا این تأثیر به صورت منطقه‌ای متمرکز است؟ چه عواملی بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای در حال توسعه تأثیر می‌گذارند و آیا این عوامل با عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یک کشور توسعه‌یافته متفاوت است؟ تحقیقات تجربی قبلی در مورد عوامل تعیین‌کننده برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از جمله تأثیر پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، عمدتاً بر جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای مبدأ توسعه‌یافته به کشورهای مقصدهای در حال توسعه متمرکز شده‌اند (حیدری هراتمه، ۱۴۰۰). این مطالعه از این جهت متفاوت است که بر پیوند بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای در حال توسعه تمرکز دارد. این پیوند به دلیل داده‌های پراکنده چندجانبه و منطقه‌ایی در مورد جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای در حال توسعه به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین این مطالعه به رابطه بین کیفیت نهادی داخلی و پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی می‌پردازد. تعداد کمی از مطالعات مکمل یا جایگزین‌پذیری موسسات و پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی را ارزیابی کرده‌اند و هیچ مطالعه‌ای ارزیابی نکرده است که آیا این رابطه بین جفت کشورهای توسعه یافته-در حال توسعه و در حال توسعه تفاوت دارد یا خیر. و همچنین، مدل جاذبه با استفاده از برآورد حداکثر درست‌نمایی نمای پواسون (PPM) از نقاط تمایز با دیگر مطالعات است. در ادامه ادبیات مربوط به عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مرور می‌شود. با این اولویت که بر ادبیاتی متمرکز می‌کند که خط‌مشی‌گذاری نهادی سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی چگونه پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و جذب سرمایه‌های خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سپس متغیرها و داده‌های مورد استفاده برای تخمین تجربی تشریح و نهایتاً یافته‌ها و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

## چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی، که حمایت‌ها و حقوق خاصی را برای سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای میزبان ارائه می‌کند با این امید که انجام این کار باعث جذب یا حفظ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود، از زمان انعقاد اولین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بین کشورها به شدت افزایش یافته است. ادعا می‌شود که افزایش متعاقب پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نتیجه رقابت بین کشورهای میزبان برای مجموعه محدودی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است (الکینز، گوزمن و سیمون، ۲۰۰۶).<sup>۱</sup> با این حال، ادبیات تجربی به نتایج متناقضی در مورد تأثیر پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بر سطوح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رسیده است. سالاکس و سولیوان<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) و نیومر و اسپرس<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) با استفاده از داده‌های کل و چندجانبه و منطقه‌ایی، همبستگی قوی بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیدا کردند. در حالی که هالوارد-دریمیر<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) و توبین و رز-آکرمن<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) همبستگی کمی بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیدا کردند. با این حال، در یک مطالعه بعدی، رز-آکرمن (۲۰۰۹) نشان داد که این یافته‌های متناقض، نتیجه چارچوب‌های مفهومی توسعه نیافته است، و دریافت که برخلاف نتایج قبلی او، پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی در واقع جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تحریک می‌کنند، اما تحت شرایط پیچیده داخلی. بوت و میلنر<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) همچنین در تلاش برای مقابله با این اختلافات قبلی، یک استدلال نظری در مورد ماهیت سیاسی پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی برای توضیح نتایج متنوع مطالعات قبلی ارائه کردند، و در نهایت دریافتند که پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی با داده‌های موناویدیک به طور قابل ملاحظه‌ای جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از کشورهای توسعه یافته به کشورهای میزبان در حال توسعه افزایش می‌دهند. هالوارد-دریمیر<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) پس از بررسی تأثیر پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بر جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چندجانبه و منطقه‌ایی به نتیجه مشابهی می‌رسد. یافته‌های او تأثیر منفی و کمی مثبت پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی را بر افزایش سطوح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد و استدلال می‌کند که این تأثیر تا حدی توسط سایر تعاملات بین کشورهای میزبان و میزبان، از جمله موانع تجاری، سایر پیمان‌های اقتصادی و اطلاعات ناقص، پنهان شده است. ایگر و فافرمایر<sup>۸</sup> (۲۰۰۴)، دریافتند که هر دو پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی امضا و تایید شده تأثیر مثبتی بر «مجموع سرمایه‌های انباشته‌ای که توسط سرمایه‌گذاران یک کشور دارند. در حالی که هر دو نوع پیمان یک تأثیر دارند، آنها متوجه می‌شوند که پیمان‌های تصویب شده است، تأثیر بیشتری نسبت به قراردادهای امضا شده دارند، که نشان می‌دهد پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی به عنوان مکانیزمی برای تعهد و اجرای معتبر، نه صرفاً سیگنال‌دهی (علامت

2. Elkins, Guzman and Simon
3. Salacuse and Sullivan
4. Neumeyer and Spres
5. Hallward-Dreimeier
6. Tobin and Rose-Ackerman
7. Buthe and Milner
8. Hallward-Dreimeier
9. Egger and Pfaffermayer

دهی) عمل می‌کنند. با نگاهی به پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای صورت گرفته، هافتل<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) استدلال می‌کند که پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای به عنوان تعهدات معتبری عمل می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در هنگام تصویب افزایش می‌دهد، نه فقط وقتی امضا شده باشد؛ بنابراین تنها زمانی که پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای اجرا می‌شوند، دارای تعهدات قانونی قوی هستند و می‌توانند به دلیل عدم رعایت جریمه شوند، که برای سرمایه‌گذاران مهم است. از سوی دیگر، الکینز، گوزمن و سیمونز<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) و نیومایر و پرس (۲۰۰۵) دریافتند که تمام پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای (امضا شده و در حال اجرا) به عنوان ابزارهای سیگنال‌دهی به سرمایه‌گذاران خارجی عمل می‌کنند، که نشان می‌دهد کشور میزبان آماده انجام اصلاحات آزادسازی است. و/یا مفاد سرمایه‌گذاری مندرج در پیمان را در پیش بینی امضای پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای بیشتری در آینده رعایت کنید. با این حال همان طوری که کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل دهه ای پیش در بررسی پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای بیان داشت: «کشورهای زیادی با جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارند که فاقد پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای هستند و یا تعداد کمی از آن‌ها را امضا کرده‌اند». با این حال، بسیاری کشورهای در حال توسعه تعداد زیادی پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای امضا کرده‌اند. لذا پرسش این است که آیا کشورهایی که پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای بیشتری امضا کرده‌اند، در جذب سرمایه‌گذاران خارجی موفق تر بوده اند یا خیر؟ بنابراین سؤال اصلی تحقیق عبارتست از اینکه خط‌مشی‌گذاری نهادی سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای چگونه صورت می‌گیرد و چگونه منجر به جذب سرمایه‌های خارجی می‌شود؟

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع هدف کاربردی و از لحاظ روش یک تحقیق توصیفی و همبستگی است. جهت آزمون عملی و تجربی فرضیه‌ها، ۲۲ کشور برای دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ به عنوان نمونه با تکنیک الگوهای پنل دیتا و استفاده از نرم افزار ۱۳ Eviews در نظر گرفته شد. متغیرهای تحقیق و چگونگی اندازه‌گیری آنها عبارتند از:

#### • FDI : سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

متغیر وابسته، جریان‌های مجموع سرمایه‌های انباشته‌ای که از طریق سرمایه‌گذاران یک کشور خارجی تا یک تاریخ معین وارد کشور هدف شده به صورت چندجانبه و منطقه‌ای است (جریان چندجانبه و منطقه‌ای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی). داده‌ها از آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چندجانبه و منطقه‌ای کنفرانس سازمان ملل متحد در تجارت و توسعه (UNCTAD) است. یکی از مشکلات متغیر وابسته، که در مدل گرانشی یا جاذبه با تصریح لگاریتمی معمول است، تفوق و تعدد صفر است. برای رفع مشکل ورودی‌ها و صفرهای منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هنگام گرفتن تصریح

13. Haftel

14. Guzman and Simmons

لگاریتمی، همه مقادیر منفی و صفر با ۱ برابر در نظر گرفته می‌شود تا از حذف مقادیر صفر جلوگیری شود.

• **BIT : پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی**

متغیر توضیحی اصلی یک متغیر ساختگی برای یک پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی امضا شده بین دو کشور است. این داده‌ها از پایگاه داده توافقنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی UNCTAD است. پیش‌بینی می‌شود که ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چندجانبه و منطقه‌ایی به طور مثبت تحت تأثیر امضای یک پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی باشد.

• **سایر متغیرهای توضیحی:**

تولید ناخالص داخلی و جمعیت از پایگاه داده شاخص‌های توسعه جهانی بانک جهانی است. اندازه بازار (GDP) به دلیل دسترسی بیشتر به بازار، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. علامت ( نوع تاثیرگذاری) جمعیت کشور میزبان مبهم است چون از یک طرف ممکن است نشان دهنده یک پایگاه مصرف کننده بزرگتر باشد، بنابراین تأثیر مثبت خواهد داشت، از سوی دیگر، جمعیت اغلب با سطوح درآمد پایین‌تر همبستگی دارد. همچنین متغیرهای؛  $D_{ijt}$ ،  $Cont_{ijt}$ ،  $ComLan_{ijt}$  از پایگاه داده CEPII<sup>16</sup> هم به عنوان متغیرهای توضیحی هستند. پیش‌بینی می‌شود که همسایگی یا همجواری و زبان مشترک، تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشند، در حالی که فاصله، که نماینده‌ای برای هزینه‌های مبادله است، پیش‌بینی می‌شود که پیش‌بین کننده منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد.

• **اثرات ثابت:**

در مدل‌های اصلی، اثرات ثابت، سال، میزبان و منبع (مبدا) گنجانده شده است. در برآوردهای متناوب (یکی در میان بودن)، از اثرات ثابت سال-کشور استفاده می‌شود.

**فرم تبعی و تصریح مدل پژوهش**

تجزیه و تحلیل تجربی بر اساس مدل جاذبه استاندارد<sup>17</sup> است که معمولاً برای آزمون جریان‌های تجاری بین جفت کشورها استفاده می‌شود. به طور سنتی، مدل جاذبه استاندارد، جریان‌های تجاری چندجانبه و منطقه‌ایی را به اندازه اقتصاد منبع (مبدا) و میزبان، فاصله بین آنها و زبان مشترک مرتبط می‌کند. هد و ریس<sup>18</sup> (۲۰۰۷) از مدل جاذبه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پشتیبانی نظری می‌کنند. مشخصات مدل اصلی به شرح زیر است:

$$\ln(FDI_{ijt}) = \beta_0 + \beta_1 \ln(GDP_{it}) + \beta_2 \ln(GDP_{jt}) + \beta_3 \ln(POP_{it}) + \beta_4 \ln(POP_{jt}) + \beta_5 \ln(D_{ijt}) + \beta_6 Cont_{ijt} + \beta_7 ComLan_{ijt} + \beta_8 BIT_{ijt} + \varepsilon_{ijt}$$

16. Centre d'études prospectives et d'informations internationales (CEPII)

17. The standard gravity model

18. Head and Reis

که در آن  $FDI_{ijt}$  جریان چندجانبه و منطقه‌ای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشور  $i$  به کشور  $j$  در زمان  $t$  است. متغیرهای گرانث استاندارد فاصله، همسایگی یا همجواری و زبان مشترک به ترتیب توسط  $D_{ijt}$ ،  $Cont_{ijt}$  و  $ComLan_{ijt}$  گرفته شده‌اند.  $WGI_{jt}$  یک پروکسی برای کیفیت نهادی کشور میزبان است،  $BIT_{ijt}$  یک متغیر ساختگی برای یک پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای بین کشور  $i$  و کشور  $j$  در زمان  $t$  است عبارت‌های جملات خطا هستند. به طور کلی مدل جاذبه به صورت چهار فرم به شرح زیر برآورد شده است:

مدل جاذبه با متغیرهای :	مدل جاذبه با متغیرهای :
In GDP source	In GDP source
In GDP host	In GDP host
In POP source	In POP source
In POP host	In POP host
In Distance	In Distance
Contiguity	Contiguity
Common Language	Common Language
<b>BIT</b>	Former Colony
Constant	Colonial Sibling
Year fixed effects	FTA
Country fixed effects	Institutions
Country-year FE	<b>BIT</b>
$R^2$	<b>BIT * Institutions</b>
	Constant
	Year fixed effects
	Country fixed effects
	Country-year FE
	$R^2$
وابسته : سرمایه‌گذاری خارجی	وابسته : سرمایه‌گذاری خارجی

### ج : برآورد مدل

برای برآورد مدل پژوهش از تخمین زننده حداکثر درست‌نمایی نمای پواسون یا شبه حداکثر درست‌نمایی پواسون<sup>۱</sup> به دلیل توانایی آن در محاسبه صفرها در متغیر وابسته ناشی از تصریح لگاریتمی مدل گرانثی یا جاذبه، استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

کشورهای در حال توسعه، پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای را جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی تنظیم و آن را مکانیزم قانونی بین‌المللی برای تشویق و دلگرمی سرمایه‌گذاران خارجی می‌دانند بنابراین هدف مطالعه حاضر بررسی و تعیین خط‌مشی‌گذاری نهادی سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب پیمان‌های چندجانبه و

19. Poisson pseudo-maximum-likelihood= PPML

منطقه‌ایی چگونه صورت می‌گیرد و منجر به جذب سرمایه‌های خارجی می‌شود. نتایج مدل پایه، با استفاده از برآورد PPM، در جدول ۱ نمایش داده شده است. مدل ۱ شامل تمام جفت کشورها اعم از توسعه‌یافته - در حال توسعه، توسعه‌یافته - توسعه‌یافته و یا در حال توسعه - در حال توسعه می‌باشد. مدل ۲ فقط شامل جفت کشورهای است که کشور منبع (مبدا) یک اقتصاد توسعه یافته در نظر گرفته می‌شود، در حالی که مدل ۳ فقط شامل جفت کشورهای در حال توسعه است. با توجه به متغیرهای کنترلی، تأثیر بازار بزرگ و زبان مشترک در همه مدل‌ها مثبت و معنادار، اما تأثیر متغیر فاصله منفی و معنی‌دار است. همچنین همانطور که پیش‌بینی می‌شود، جمعیت کشور میزبان و متغیر همسایگی یا همجواری به جز در مورد جفت کشورهای در حال توسعه (مدل ۳)، تعیین کننده معنی‌داری برای جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیست، این یافته‌ها ممکن است همسو با تحقیقات قبلی بوده و آنها را حمایت کند که نشان می‌دهد مقدار قابل توجه و معنی‌داری از جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای در حال توسعه درون منطقه‌ای است، لذا احتمال بیشتری دارد که به هم پیوسته باشند. متغیر توضیحی اصلی، اینکه آیا پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بین جفت کشورهای مورد نظر امضا شده است یا خیر، در همه مدل‌ها مثبت و معنی‌دار است اما تأثیر بیشتری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای در حال توسعه دارد (مدل ۳، ۲۹ درصد). این نتیجه ممکن است نشان دهد که نهادهای کشورهای مبدأ (منبع) در حال توسعه مسافت پیموده شده بیشتری را از پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی به دست می‌آورند. که ممکن است از تخصص داخلی و خارجی (شبکه‌ها، گزینه‌های قانونی و غیره) که شرکت‌های بزرگتر از کشورهای توسعه یافته ممکن است در هنگام سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه داشته باشند، برخوردار نباشند.

جدول ۱: تأثیر BIT بر FDI

Model	مدل	۱	۲	۳
Estimator	تخمین زننده	PPML	PPML	PPML
In GDP source	لگاریتم GDP مبدا	*** (۰/۰۶) ۰/۶۲	*** (۰/۰۵) ۰/۵۹	*** (۰/۰۹) ۰/۳۳
In GDP host	لگاریتم GDP میزبان	*** (۰/۰۴) ۰/۴۲	*** (۰/۰۳) ۰/۳۹	*** (۰/۰۷) ۰/۴۳
In POP source	لگاریتم POP مبدا	(۰/۱۶) ۰/۱۱	(۰/۱۵) ۰/۱۴	(۰/۸۹) -۰/۷۶
In POP host	لگاریتم POP میزبان	(۰/۲۶) ۱/۵۲	(۰/۲۳) ۱/۲۹	*** (۰/۳۵) ۲/۱۳
In Distance	لگاریتم فاصله	*** (۰/۰۳) -۰/۴۶	*** (۰/۰۳) -۰/۴۱	*** (۰/۰۶) -۰/۵۲
Contiguity	همسایگی یا همجواری	(۰/۰۴) ۰/۰۷	(۰/۰۳) -۰/۱۲	*** (۰/۰۶) ۰/۳۴
Common Language	زبان مشترک	*** (۰/۰۵) ۰/۳۴	*** (۰/۰۴) ۰/۳۷	*** (۰/۰۵) ۰/۲۷
<b>BIT</b>	<b>پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی</b>	*** (۰/۰۲) ۰/۱۷	*** (۰/۰۳) ۰/۱۴	*** (۰/۰۶) ۰/۲۹
Constant	جزء ثابت	*** (۱/۲۶) -۴۱/۶۲	*** (۲/۵۴) -۳۸/۵۹	*** (۳/۳۲) -۴۲/۳۳
R <sup>2</sup>	ضریب تشخیص	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۳۸
N	مشاهدات	۶۳۰	۶۳۰	۶۳۰

\* در سطح ۰.۱٪ معنی‌داری \*\* در سطح ۰.۰۵٪ معنی‌داری \*\*\* در سطح ۰.۰۱٪ معنی‌داری

همانطور که قبلاً ذکر شد، تصمیمات مکان‌یابی شرکت‌های چندملیتی<sup>۱</sup> ممکن است تحت تأثیر کیفیت نهادهای کشور میزبان قرار گیرد. برای به دست آوردن این تأثیر، متغیرهایی برای کیفیت نهادی و رابطه استعماری<sup>۲</sup> و همچنین یک متغیر ساختگی برای حضور یک توافق تجارت آزاد، به مدل اصلی اضافه می‌شوند. علاوه بر این، سؤالات بی‌پاسخی در مورد اینکه آیا پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای جایگزین یا تمجید از کیفیت نهادی داخلی هستند، وجود دارد. از یک طرف، با امضای یک پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای، یک کشور میزبان به سرمایه‌گذاران خارجی یک چارچوب نهادی خارجی ارائه می‌دهد که به طور قابل اعتمادی آنها را متعهد می‌کند که از سرمایه‌گذاری خود بهتر از توان نهادهای داخلی محافظت کنند. در این صورت آنها جایگزین هستند و انتظار یک رابطه منفی وجود دارد. از سوی دیگر، امضای پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای ممکن است به عنوان یک دستگاه سیگنال‌دهی عمل کند و به سرمایه‌گذاران خارجی اعلام کند که کشور در حفاظت از سرمایه‌گذاری آنها جدی است و پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای لایه دیگری در بالای نهادهای داخلی است. برای آزمون این رابطه، یک اصطلاح تعاملی بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای و کیفیت نهادی به مدل توسعه‌یافته اضافه می‌شود. نتایج مدل توسعه یافته، که شامل متغیرهای نهادی و شرایط تعاملی است، در جدول ۲ گزارش شده است. مدل‌های ۱ و ۲ شامل همه جفت کشورهای در نمونه می‌شوند، اعم از توسعه‌یافته - در حال توسعه، توسعه‌یافته - توسعه یافته و در حال توسعه - در حال توسعه. مدل‌های ۳ و ۴ فقط شامل جفت کشورهای می‌شوند که کشور منبع (مبدأ) یک اقتصاد توسعه‌یافته در نظر گرفته می‌شود. مدل ۵ و ۶ شامل جفت کشورهای در حال توسعه است. از نظر متغیرهای کنترلی، اندازه بازار، جمعیت کشور میزبان، روابط استعماری و قرارداد تجارت آزاد<sup>۳</sup> همگی مثبت و معنادار هستند. مشابه مدل پایه، فاصله بر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی می‌گذارد، در حالی که همسایگی و همجواری تنها برای جفت کشورهای در حال توسعه یک عامل تعیین‌کننده مثبت است. نهادها تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند، مانند پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای. مانند مدل‌های پایه، تأثیر پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای جفت کشورهای در حال توسعه بیشتر است. متغیر تعاملی بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای و کیفیت نهادی در همه گروه‌های جفت کشورها منفی است، که نشان‌دهنده قابلیت جایگزینی است. اما این نتیجه در مورد جفت کشورهای در حال توسعه قابل توجه و معنی‌دار است.

---

20. Multinational Corporations (MNCs)

21. Colonial Relationship

22. Free-Trade Agreement = FTA



جدول ۲: تأثیر BIT بر FDI

Model	مدل	۱	۲	۳
Estimator	تخمین زنده	PPML	PPML	PPML
In GDP source	لگاریتم GDP مبدا	*** (۰/۰۵) ۰/۶۱	*** (۰/۰۴) ۰/۶۰	*** (۰/۰۷) ۰/۳۳
In GDP host	لگاریتم GDP میزبان	*** (۰/۰۶) ۰/۳۴	*** (۰/۰۵) ۰/۳۳	*** (۰/۰۵) ۰/۳۱
In POP source	لگاریتم POP مبدا	(۰/۱۷) ۰/۱۲	(۰/۱۸) ۰/۱۳	(۰/۲۹) ۰/۱۶
In POP host	لگاریتم POP میزبان	*** (۰/۲۳) ۱/۴۲	*** (۰/۲۱) ۱/۳۴	*** (۰/۲۵) ۲/۲۱
In Distance	لگاریتم فاصله	*** (۰/۰۴) -۰/۳۴	*** (۰/۰۲) -۰/۳۵	*** (۰/۰۵) -۰/۳۱
Contiguity	همسایگی یا همجواری	(۰/۰۶) ۰/۰۴	(۰/۰۵) ۰/۰۲	(۰/۱۲) -۰/۰۸
Common Language	زبان مشترک	*** (۰/۰۵) ۰/۳۴	*** (۰/۰۴) ۰/۲۷	*** (۰/۰۵) ۰/۳۱
Former Colony	مستعمره گذشته	*** (۰/۰۷) ۰/۴۵	*** (۰/۰۸) ۰/۴۹	*** (۰/۰۸) ۰/۴۸
Colonial Sibling	هم نژاد استعماری	*** (۰/۰۹) ۰/۲۹	*** (۰/۰۸) ۰/۲۶	* (۰/۱۱) ۰/۱۹
FTA	قرارداد تجارت آزاد	*** (۰/۰۵) ۰/۳۱	*** (۰/۰۶) ۰/۲۲	*** (۰/۰۵) ۰/۱۸
Institutions	نهادهای	*** (۰/۰۴) ۰/۳۱	*** (۰/۰۵) ۰/۳۳	*** (۰/۰۶) ۰/۲۹
<b>BIT</b>	<b>پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی</b>	<b>*** (۰/۰۲) ۰/۱۷</b>	<b>*** (۰/۰۳) ۰/۱۴</b>	<b>*** (۰/۰۶) ۰/۲۹</b>
<b>BIT * Institutions</b>	<b>تعامل نهادهای با BIT</b>		<b>*** (۰/۰۵) ۰/۱۱۱</b>	
Constant	جزء ثابت	*** (۲/۶۶) -۳۳/۲۴	*** (۲/۶۴) -۴۴/۹۲	*** (۳/۰۲) -۵۲/۳۵
R <sup>2</sup>	ضریب تشخیص	۰/۵۴	۰/۴۳	۰/۳۸
N	مشاهدات	۶۳۰	۶۳۰	۶۳۰
In GDP source	لگاریتم GDP مبدا	*** (۰/۰۴) ۰/۵۹	** (۰/۱۵) ۰/۳۴	** (۰/۱۶) ۰/۳۶
In GDP host	لگاریتم GDP میزبان	*** (۰/۰۵) ۰/۳۲	*** (۰/۰۴) ۰/۳۶	*** (۰/۰۶) ۰/۳۴
In POP source	لگاریتم POP مبدا	(۰/۲۷) ۰/۱۶	(۰/۷۸) -۰/۷۳	(۰/۷۹) -۰/۷۶
In POP host	لگاریتم POP میزبان	*** (۰/۲۳) ۱/۳۲	*** (۰/۲۹) ۲/۴۴	*** (۰/۳۵) ۲/۲۱
In Distance	لگاریتم فاصله	*** (۰/۰۵) -۰/۴۴	*** (۰/۰۵) -۰/۴۵	*** (۰/۰۷) -۰/۴۶
Contiguity	همسایگی یا همجواری	(۰/۰۶) -۰/۰۸	*** (۰/۰۶) ۰/۲۶	*** (۰/۰۸) ۰/۲۵
Common Language	زبان مشترک	*** (۰/۰۵) ۰/۲۷	(۰/۱۶) ۰/۱۴	(۰/۱۵) ۰/۱۳
Former Colony	مستعمره گذشته	*** (۰/۰۶) ۰/۵۵	*** (۰/۰۷) ۰/۵۱	*** (۰/۰۹) ۰/۵۱
Colonial Sibling	هم نژاد استعماری	* (۰/۰۹) ۰/۱۹	** (۰/۱۸) ۰/۴۳	** (۰/۱۷) ۰/۴۶
FTA	قرارداد تجارت آزاد	*** (۰/۰۴) ۰/۱۷	*** (۰/۰۵) ۰/۲۳	*** (۰/۰۴) ۰/۲۴
Institutions	نهادهای	*** (۰/۰۴) ۰/۳۰	* (۰/۱۵) ۰/۳۱	* (۰/۱۶) ۰/۳۴
<b>BIT</b>	<b>پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی</b>	<b>*** (۰/۰۳) ۰/۱۸</b>	<b>*** (۰/۰۵) ۰/۳۴</b>	<b>*** (۰/۰۵) ۰/۳۱</b>
<b>BIT * Institutions</b>	<b>تعامل نهادهای با BIT</b>	<b>*** (۰/۰۲) -۰/۰۸</b>		<b>(۰/۱۴) -۰/۰۵</b>
Constant	جزء ثابت	*** (۲/۶۶) -۶۳/۴۴	*** (۲/۶۴) -۴۴/۷۵	*** (۳/۰۲) -۴۲/۶۳
R <sup>2</sup>	ضریب تشخیص	۰/۵۳	۰/۴۱	۰/۳۹
N	مشاهدات	۶۳۰	۶۳۰	۶۳۰

\* در سطح ۰.۰۱٪ معنی‌داری \*\* در سطح ۰.۰۵٪ معنی‌داری \*\*\* در سطح ۰.۰۱٪ معنی‌داری

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کشورهای صنعتی توسعه‌یافته از پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی برای حمایت از حقوق شرکت‌ها هنگام سرمایه‌گذاری در بازارهای نامشخص استفاده اما کشورهای درحال توسعه و نوظهور پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی ای را منعقد می‌کنند تا بتوانند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری جذب و جهت سهم بیشتر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رقابت کنند. بیشتر تحقیقات در مورد تأثیر پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه میزبان متمرکز شده‌اند و تحقیقات کمی، بین کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه در سایه پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی، جهت جذب سرمایه‌گذاری های مستقیم خارجی و مکانیزمی قانونی بین المللی برای تشویق و دلگرمی سرمایه‌گذاران خارجی در حال افزایش است. مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های سرمایه‌گذاری خارجی چندجانبه و منطقه‌ایی و منطقه‌ایی برای ۲۲ کشور در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی در کشورهای در حال توسعه و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی، را از طریق یک مدل جاذبه، مورد بررسی قرار داد. علاوه بر آن، تعامل بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و نهادهای کشور میزبان و اینکه چگونه این رابطه بین شرکای توسعه یافته-در حال توسعه و شرکای در حال توسعه-در حال توسعه متفاوت است، را ارزیابی می‌کند. نتایج نشان داد: (۱) متغیرهای کنترلی، بازار بزرگ و زبان مشترک در همه مدل‌ها مثبت و معنادار، اما تأثیر متغیر فاصله منفی و معنی‌دار است. اما متغیرهای جمعیت کشور میزبان و متغیر همسایگی به جز در مورد جفت کشورهای در حال توسعه، تعیین کننده معنی‌داری برای جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیستند، پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی در همه مدل‌ها مثبت و معنی‌دار است اما بین کشورهای در حال توسعه تأثیر بیشتری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. (۲) با اضافه شدن متغیرهایی کیفیت نهادی، رابطه استعماری و متغیر ساختگی برای حضور یک توافق تجارت آزاد، به مدل، با امضای یک پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی، یک کشور میزبان به سرمایه‌گذاران خارجی یک چارچوب نهادی خارجی ارائه می‌دهد که به طور قابل اعتمادی آنها را متعهد می‌کند که از سرمایه‌گذاری خود، بهتر از توان نهادهای داخلی محافظت کنند. در این صورت آنها جایگزین هستند و انتظار یک رابطه منفی وجود دارد. از سوی دیگر، امضای پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی ممکن است به عنوان یک دستگاه سیگنال‌دهی، عمل کند و به سرمایه‌گذاران خارجی اعلام کند که کشور در حفاظت از سرمایه‌گذاری آنها جدی است، لذا یک فاکتور تعاملی بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و کیفیت نهادی به مدل توسعه‌یافته اضافه می‌شود. متغیر تعاملی بین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی و کیفیت نهادی در همه گروه‌های جفت کشورها منفی است، که نشان‌دهنده قابلیت جایگزینی است. اما این نتیجه در مورد جفت کشورهای در حال توسعه قابل توجه و معنی‌دار است. نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه ال‌کینز، گوزمن و سیمونز<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و نیومایر و پرس (۲۰۰۵) همسو و مطابقت دارد چرا که آنها دریافتند که تمام پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی (امضا شده و در حال اجرا) به عنوان ابزارهای سیگنال‌دهی به سرمایه‌گذاران خارجی عمل می‌کنند، که نشان می‌دهد کشور میزبان آماده انجام اصلاحات آزادسازی است. و/یا

14. Guzman and Simmons

مفاد سرمایه‌گذاری مندرج در پیمان را در پیش‌بینی امضای پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی بیشتر در آینده رعایت کنید. پس آنچه که می‌توان ادعا کرد این است که پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی به هدف خود عمل می‌کند و کشورهای در حال توسعه که پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی‌های بیشتری با کشورهای توسعه یافته امضا کرده‌اند در عوض جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری دریافت کرده‌اند. در سال‌های اخیر، پیمان‌های و استراتژی‌های ترویج و ترفیع سرمایه‌گذاری خارجی به طور چشمگیری تغییر کرده است. آزادسازی گسترده سیاست‌های اقتصادی به طور موثری باعث افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده است. با تشویق سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به بازارهای بین‌المللی، بسیاری از کشورها شاهد رشد تصاعدی در اقتصاد و صنایع داخلی خود هستند. افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها برای صنایع نوظهور یا در حال رشد، سرمایه به ارمغان می‌آورد، بلکه می‌تواند با ایجاد دسترسی بیشتر به منابع مالی، فرصت‌های شغلی بیشتر و سرریزهای دانش و فناوری، اقتصاد کشور را تقویت کند. بنابراین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی به عنوان مکانیزمی قانونی بین‌المللی برای تشویق و دلگرمی سرمایه‌گذاران خارجی جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، می‌تواند یک راهبرد در این زمینه باشد (حیدری هراتمه، ۱۴۰۱). چرا که پر واضح است که برای سرمایه‌گذاران، امنیت و داشتن ضمانت حقوقی سیاسی برای تحفظ و حمایت از دارایی‌ها و سرمایه آنها از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. بنابراین طبیعی است که در نبود موافقتنامه‌ها/پیمان‌های چندجانبه/منطقه‌ایی/بین‌المللی جهت محافظت و تضمین سرمایه و سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران خارجی اصولاً انگیزه‌ایی جهت سرمایه‌گذاری نشان نمی‌دهند و وجود قوانین و مقررات متعدد داخلی نیز نه تنها تضمین کافی برای سرمایه‌گذاری به شمار نمی‌رود، بلکه خود مانعی جهت تسهیل و تسریع فرایندها می‌شود. موافقتنامه بین‌المللی از آنجا که واجد ضمانت حقوقی است به سرمایه‌گذاران خارجی این اطمینان خاطر را می‌دهد که سرمایه آنها در هر صورت محفوظ و در صورت رخداد هرگونه خطرو ریسک ناشی از بی‌ثباتی سیاسی، خسارت وارده طبق مفاد مطروحه در قراردادهای جبران خواهد شد. از سوی دیگر اصولاً شرکت‌های بیمه بین‌المللی تمایلی به برقراری پوشش بیمه‌ای برای سرمایه‌گذاری در کشوری که فاقد چنین موافقتنامه‌هایی هست، ندارند. بنابراین با نبود چنین موافقتنامه‌هایی تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری خارجی بین دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی و دولت سرمایه‌پذیر صورت نمی‌گیرد و شرکت‌های بیمه‌ایی یا اصولاً از بیمه نمودن سرمایه‌گذاری در آن کشور امتناع می‌نمایند و یا با توجه به میزان ریسک سرمایه‌گذاری در آن کشور نرخ بالایی در نظر می‌گیرند. در هر صورت، باید توجه داشت جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تسهیل فرایند آن در سایه انعقاد انواع پیمان‌های دو یا چندجانبه و منطقه‌ایی، هدف نهایی و غایی نیست بلکه تحقق رشد و توسعه پایدار و سرعت بخشیدن به چنین مهمی است (حیدری هراتمه، ۱۴۰۰). لذا لازم و ضروری است که کشورها در جهت حمایت از سرمایه و سرمایه‌گذاران و حفظ امنیت آن به پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی در هر قالبی و انعقاد آن به عنوان یک ضرورت و راهبرد سیاسی اقتصادی نگاه و در برنامه خود بگنجانند. سخت‌گیری و دقت در تنظیم پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ایی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد چرا که به عنوان تعدیگرت رابطه بین بی‌ثباتی

سیاسی و انتخاب مالکیت وابسته در کشورهای میزبان عمل می‌کند بنابراین پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای سختگیرانه‌تر با افزایش بی‌ثباتی سیاسی، بنگاه‌های چندملیتی را ترغیب می‌کند تا مالکیت اکثریت را به‌جای اقلیت انتخاب کند. از طرف دیگر پایه‌گذاران نظام پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای و همچنین بسیاری از طرفداران فعلی ابراز داشته‌اند که چگونه پیمان‌های به کشورهای در حال توسعه این امکان را می‌دهند تا اختلافات سرمایه‌گذار - دولت را سیاست‌زدایی کنند یعنی مناقشات تجاری را از ملاحظات گسترده‌تر سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای توسعه یافته حفظ کنند. در حالی که این استدلال توسط محققان اقتصادی و حقوقی به صورت گسترده تری پذیرفته می‌شود و صریحاً توسط کشورهای صادرکننده سرمایه تبلیغ می‌شود. با این اوصاف تنظیم مفاد پیمان‌های بسیار مهم‌تر از انعقاد می‌باشد بنابراین دقت، ریزبینی، بار حقوقی داشتن و صراحت در متن در زمان تنظیم پیمان‌های می‌تواند یک راهبرد سیاستی اجرایی در برنامه‌های مقامات اجرایی هر کشوری باشد. نهایتاً به همین ترتیب، مفاد حمایت و ترویج سرمایه‌گذاری در پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای اثرات مثبت و قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در داخل دارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که عضویت در پیمان‌های چندجانبه و منطقه‌ای، حتی باعث ایجاد سرمایه‌گذاری در منطقه می‌شود. و این یک پله در مسیر چارچوب سیاست سرمایه‌گذاری برای توسعه پایدار است. چرا که موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، یک ابزار سیاست استراتژیک است که کشورهای عضو می‌توانند از آن برای دستیابی به همکاری‌های برد-برد استفاده کنند.

#### فهرست منابع

- \* حیدری هراتمه، مصطفی. (۱۴۰۱). تاثیر قراردادهای سرمایه‌گذاری بر سیاست‌زدایی اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی (رویکرد قانونی شدن، دیپلماسی و توسعه). مدیریت تبلیغات و فروش، ۳(۳)، ۹۰-۱۰۱.
- \* حیدری هراتمه، مصطفی. (۱۴۰۰). تاثیر نسبی سخت‌گیری قراردادهای سرمایه‌گذاری بر رابطه بین بی‌ثباتی سیاسی و انتخاب مالکیت وابسته. پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، ۲(۵)، ۹۱-۱۱۲.
- \* Achen, Christopher (2000). "Why Lagged Dependent Variables Can Suppress the Explanatory Power of Other Dependent Variables." Unpublished manuscript. Available at: <http://polmeth.wustl.edu/papers/00/achen00.zip>.
- \* Aisbett, Emma (2009). Bilateral Investment Treaties and Foreign Direct Investment: Correlation versus Causation. In Karl P. Sauvant and Lisa E. Sachs, editors, *The Effects of Treaties on Foreign Direct Investment. Bilateral Investment Treaties, Double Taxation Treaties, and Investment Flows*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- \* Aykut, Dilek and Andrea Goldstein, (2006). "Developing Country Multinationals: South-South Investment Comes of Age," OECD Development Centre Working Papers 257, OECD Publishing.
- \* Aykut, Dilek and Dilip Ratha, (2004). "South-South FDI flows: how big are they?" *Transnational Corporations*. Volume 13, Number 1, April 2004.
- \* Beck, Nathaniel, & Jonathan N. Katz (1995) "What to Do (and Not to Do) with Time-Series Cross-Section Data," 89 *American Political Science Review*. 634-47. - (1996) "Nuisance vs. Substance: Specifying and Estimating Time-Series-Cross-Section Models," 6 *Political Analysis* 1-36.
- \* Blonigen, Bruce A. (2005). "A review of the empirical literature on FDI determinants," *Atlantic Economic Journal*, 33, 4, pp. 383-403.
- \* Blonigen, Bruce A. and Miao Wang (2005). "Inappropriate pooling of wealthy and poor countries in empirical FDI studies," in Theodore H. Moran, Edward M. Graham and Magnus Blomström,

- eds., *Does Foreign Direct Investment Promote Development?* (Washington, D.C.: Institute for International Economics), pp. 221–244.
- \* Buthe, Tim and Helen Milner (2008). *The Politics of Foreign Direct Investment into Developing Countries: Increasing FDI through International Trade Agreements?* *American Journal of Political Science* 52, no.4 (October): 741–62.
  - \* Desbordes, Rodolphe, Julia Darby, and Ian Wooten (2011). “Institutional Quality and FDI to the South: An Analytical Approach.” *Strathclyde Working Paper in Economics*. No. 11-31.
  - \* Egger, Peter and Michael Pfaermayer (2009). *The Impact of Bilateral Investment Treaties on Foreign Direct Investment*. In Karl P. Sauvant and Lisa E. Sachs, editors, *The Effects of Treaties on Foreign Direct Investment. Bilateral Investment Treaties, Double Taxation Treaties, and Investment Flows*. Oxford, UK: Oxford University Press.
  - \* Eid, Florence (2008). *The New Face of Arab Investment*. In John Nugee and Paola Subacchi, editors, *The Gulf Region: A New Hub of Global Financial Power*. Chatham House: Royal Institute of International Affairs.
  - \* Elkins, Zachary, Andrew T. Guzman and Beth A. Simmons (2006). “Competing for capital: the diffusion of bilateral investment treaties, 1960–2000,” *International Organization*, 60, 4, pp. 811–846.
  - \* Faras, Reyadh and Khalifa Ghali (2009). “Foreign Direct Investment and Economic Growth: The Case of the GCC Countries.” *International Research Journal of Finance and Economics*. Issue 29.
  - \* Goldstein, Judith and Lisa L. Martin (2000). “Legalization, Trade Liberalization, and Domestic Politics: A Cautionary Note.” *International Organization* 54, 3, pp. 603–632.
  - \* Guzman, Andrew T. (1998). “Why LDCs sign treaties that hurt them: explaining the popularity of bilateral investment treaties,” *Virginia Journal of International Law*, 38, 4, pp. 639–688.
  - \* Hafner-Burton, Emilie, Miles Kahler, and Alexander H. Montgomery (2009). “Network Analysis for International Relations,” *International Organization*, 63, 3, p. 559–92
  - \* Haftel, Yoram Z. (2008). “The effect of U.S. BITs on FDI inflows to developing countries: signaling or credible commitment?” (Unpublished manuscript, University of Illinois, Chicago).
  - \* Hallward-Driemeier, Mary (2009). *Do Bilateral Investment Treaties Attract FDI? Only a Bit... and they could bite*. In Karl P. Sauvant and Lisa E. Sachs, editors, *The Effects of Treaties on Foreign Direct Investment. Bilateral Investment Treaties, Double Taxation Treaties, and Investment Flows*. Oxford, UK: Oxford University Press.
  - \* Hoekman, Bernard and Khalid Sekkat (2008). “Deeper Integration of Goods, Services, Capital and Labor Markets: A Policy Research Agenda for the MENA Region.” *Policy Research Reports* 32. Cairo Egypt: Economic Research Forum.
  - \* Jandhyala, Srividya, Henisz, Witold J. and Mans\_eld Edward (2008). *Pooling Dyads is a BIT Inappropriate: A Two Stage Model for Bilateral Investment Treaty Signing*. Paper presented at the Annual Meeting of the American Political Science Association, Boston, August 28–31, 2008.
  - \* Mayda, Anna Maria and Chad Steinberg (2009). “Do South-South Preferential Trade Agreements Increase Trade? Commodity-level Evidence from COMESA.” *Canadian Journal of Economics*. Vol. 42, No. 4.
  - \* Milner, Helen, and Tim Buthe (2009) “Bilateral Investment Treaties and Foreign Direct Investment: A Political Analysis.” *The Impact of Bilateral Investment Treaties and Double Taxation Treaties on Foreign Direct Investment*. Karl Sauvant, ed., NY: Oxford University Press.
  - \* Neumayer, Eric and Laura Spess (2005). “Do bilateral investment treaties increase foreign direct investment to developing countries?” *World Development*, 33, 10, pp. 1567–1585.
  - \* Pinto, Pablo, Santiago Pinto, Nicolas E. Stier-Moses (2010) “Regulating Foreign Investment: A Study of the Properties of Bilateral Investment Regimes.” Paper prepared for presentation at the Annual Meeting of the International Political Economy Society, Cambridge, MA, November 12–13, 2010.

- \* Poulsen, Lauge Skovgaard (2010). "The Politics of South-South Bilateral Investment Treaties." In *The Politics of International Economic Law*. T. Broude, A. Porges, and M. Busch (eds.). Cambridge University Press.
- \* Rose-Ackerman, Susan (2009). *The Global BITs Regime and the Domestic Environment for Investment*. In Karl P. Sauvant and Lisa E. Sachs, editors, *The Effects of Treaties on Foreign Direct Investment. Bilateral Investment Treaties, Double Taxation Treaties, and Investment Flows*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- \* Salacuse, Jeswald W. and Nicholas P. Sullivan (2005). "Do BITs really work? An evaluation of bilateral investment treaties and their grand bargain," *Harvard International Law Journal*, 46, 1, pp. 67-130.
- \* Swenson, Deborah (2009). *Why Do Developing Countries Sign BITs?* In Karl P. Sauvant and Lisa E. Sachs, editors, *The Effects of Treaties on Foreign Direct Investment. Bilateral Investment Treaties, Double Taxation Treaties, and Investment Flows*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- \* Tobin, Jennifer and Susan Rose-Ackerman (2005). "Foreign direct investment and the business environment in developing countries: The impact of bilateral investment treaties," *Yale Law & Economics Research Paper*, No. 293, May 2.
- \* UNCTAD, United Nations Conference on Trade and Development (2005). "South-South Cooperation in International Investment Agreements." UNCTAD Series on International Investment Policies for Development. [www.unctad.org](http://www.unctad.org)
- \* UNCTAD, United Nations Conference on Trade and Development (2008). "Recent developments in international investment agreements (2007-June 2008)." *IIA Monitor*, No. 2 (UNCTAD/WEB/DIAE/IA/2008/1)
- \* United Nations Conference on Trade and Development (2009). *The Impact on Foreign Direct Investment of BITs*. Geneva: United Nations.
- \* United Nations (2010). "World Investment Report 2010: Investing in a Low Carbon Economy." Geneva: United Nations.
- \* United Nations (2011) "World Investment Report 2011: Non-Equity Modes of International Production and Development." <http://www.unctad-docs.org/files/UNCTAD-WIR2011-Fullen.pdf>.
- \* Yackee, Jason (2009). *Do BITs Really Work? Revisiting the Empirical Link between Investment Treaties and Foreign Direct Investment*. In Karl P. Sauvant and Lisa E. Sachs, editors, *The Effects of Treaties on Foreign Direct Investment. Bilateral Investment Treaties, Double Taxation Treaties, and Investment Flows*. Oxford, UK: Oxford University Press.

## **Institutional Policy of Foreign Investment in the Framework of Multilateral and Regional Treaties**

**Mostafa Heidari Haratemeh**

Department of Economics, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran (Corresponding Author)  
Mo.heidarih@iau.ac.ir

**Vahid Araei**

Department of Public Administration and Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
vah.araei@iauctb.ac.ir

**Seyed Mahmood Eslami**

Department of Public Administration and Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
m.eslami@iauctb.ac.ir

### **Abstract**

The purpose of this study was to examine the institutional policy of foreign investment in the framework of multilateral and regional treaties. Therefore, using the data of 22 countries in the period from 2011 to 2021, examined the approach of multilateral and regional treaties and its effect on foreign investment through an Gravity model. It also assesses the interaction between multilateral and regional treaties and host country institutions and how this relationship differs between developed-developing partners and developing-developing partners. The results showed: The effect of control variables of large market and common language in all models is positive and significant, but the effect of distance variable is negative and significant. The population variables of the host country and the neighborhood, except for the pair of developing countries, are not significant determinants for the flow of foreign direct investment. Multilateral and regional treaties are positive and significant in all models, but between developing countries, they have a greater impact on foreign direct investment. By adding the variables of institutional quality, the colonial relationship and the dummy variable free trade agreement, to the model, by Conclusion a multilateral and regional treaties, the host country provides foreign investors with a foreign institutional framework that reliably commits to protect their investment better than domestic institutions can. In this case, they are substitutes and a negative relationship is expected. On the other hand, Conclusion a multilateral and regional treaties may act as a signaling device and announce to foreign investors that the country is serious about protecting their investment, so it is an interactive factor between the multilateral and regional treaties and institutional quality. Added to the developed model. The interaction variable is negative in all groups.

**Keywords:** Multilateral and Regional Treaties, Foreign Investment, Gravity Model, Institutional Policy.

